گفتم: ای رسول خدا، دعایی به من بیاموزید؛ فرمود: «بگو: یا الله، من از شرّ گوش، چشم، زبان و قلب خویش و نیز از شرّ شرمگاهم به تو پناه می برم».

از شَکَل بن حُمَید رضی الله عنه روایت است که می گوید: گفتم: ای رسول خدا، دعایی به من بیاموزید؛ فرمود: «بگو: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ سَمْعِي، وَمِنْ شَرِّ بَصَرِي، وَمِنْ شَرِّ لِسَانِي، وَمِنْ شَرِّ قَلْبِي، وَمِنْ شَرِّ مَنِيِّي»: «یا الله، من از شرّ گوش، چشم، زبان و قلب خویش و نیز از شرّ شرمگاهم به تو پناه می برم».
[صحیح است] [به روایت ترمذی - به روایت نسائی - به روایت ابوداوود - به روایت احمد]

در این حدیث شکل بن حمید رضی الله عنه جهت کسب خیر دنیا و آخرت نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم می رود و از ایشان دنیای فانی و مال و اموال و مقداری غذا طلب نمی کند، بلکه دعا طلب می کند؛ از رسول الله صلی الله علیه وسلم می خواهد به او دعایی بیاموزد که برای دین و دنیای او مفید باشد؛ و این حقیقت صحابه می باشد که در جستجوی فضل الهی و رضایت او بودند؛ بنابراین رسول الله صلی الله علیه وسلم این دعای بزرگ را به او می آموزد و به او می گوید: «قُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي»؛ الله را با اسم جامع او یعنی "الله" که دربردارنده ی همه ی اسامی نیکوی او است، بخوان و به او توجه کن. «أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ سَمْعِي»؛ یعنی از شر گوشم به الله پناه می برم؛ گوش انسان می تواند مرتکب شنیدن مواردی چون شهادت و گواهی دروغ، سخنان کفرآمیز و بهتان، عیبجویی از دین و سایر امور حرامی شود که به گوش انسان می رسد. «وَمِنْ شَرِّ بَصَرِي»؛ از اینکه چشم انسان به امور حرامی چون فیلم های مبتذل و تصاویر زشت بیفتد. «وَمِنْ شَرِّ لِسَانِي»؛ و از هر امر حرامی که می تواند از زبان خارج شود؛ مانند شهادت و گواهی دروغ، دشنام، لعن و نفرین، عیبجویی از دین و اهل دین، سخن گفتن در امور بیهوده و بی فایده یا سخن نگفتن در موارد مفید. «وَمِنْ شَرِّ قَلْبِي»؛ و از اینکه قلب انسان عمر خود را بدون ذکر الله سپری کند یا توجه آن به سوی غیرالله باشد و عبادت های قلبی چون بیم و امید و تعظیم متوجه الله متعال نباشد. «وَمِنْ شَرِّ مَنِيِّي»؛ یعنی: و از شر شرمگاهم به تو پناه می آورم که مبادا دچار امری شود که بر او حرام شده است؛ یا اینکه مرا گرفتار مقدمات زنا مانند نگاه کردن و لمس نمودن و حرکت کردن و تصمیم گرفتن در این مورد و امثال آن کند. این دعای مبارک، حفاظت اعضا و جوارحی را به دنبال دارد که نعمت های الهی می باشند؛ در اینجا رسول الله صلی الله علیه وسلم شکل بن حمید را امر می کند از شر این نعمت ها به الله پناه ببرد، نه اینکه از خود این نعمت ها به الله پناه جوید و به عنوان مثال بگوید: «أعوذ بالله من سمعي»: «به الله پناه می برم از گوشم». چون این موارد همگی نعمت های الهی هستند که الله متعال با آنها عبادت می شوند. بنابراین شر محض نیستند تا از خود آنها به الله پناه برده شود، بلکه از شری به الله پناه برده می شود که از آنها تولید می شود؛ و حفاظت از آنها، با رعایت اهدافی میسر می گردد که برای آنها آفریده شده اند؛ و اینکه معصیت و نافرمانی با آنها صورت نگیرد و رذیلتی منتشر نگردد؛ چون انسان در روز قیامت در مورد این نعمت ها سوال می شود چنانکه الله متعال می فرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» [إسراء: 36] «و از آنچه دانشی درباره ی آن نداری پیروی نکن. بی تردید [در قیامت،] گوش و چشم و دل، از همه ی اینها بازخواست خواهد شد».

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/6163